

مریم کامیاب



جریده نگاران

کارگردانان ادبیات مطبوعاتی در مشروطه ایران

کاشف الغیب
کاشف السعادات

اداره مرکزی در خیابان
قزوینی و بروی کوچه
میر تقی خان
میرزا نصرالله خان
ابو القاسم مظفر آبادی
محمد علی...

از زمان که بنهادم شریقه پای آزادی

دست خود در جانشستم از برای آزادی

در رفیق و رفیقان

کشت بی باور و جانمند و پندشند و دشمنان کشت با کرم کشت

نقشه کشی از برای مینای وطن
ضمیمه داده ام به این کوشش غرضش دست برداری از

پیران من بسانید به اینای وطن که یکپارچه نه شده اند از این وطن
غم شده از بارستم قامت من از این غم از این غم و غم از این غم

نقشه کشی از برای مینای وطن
ضمیمه داده ام به این کوشش غرضش دست برداری از

از زمان که بنهادیم سر نه پای ازادی
دست خود در جوار شمس ازادی
در نصیح و نزار عاقبت
و خدا یکی بود رخت یک رنگ



نشر افلاک

[illegible]

جریده تگاران

تشیخ و کتب و اوراق و اسناد مطبوعاتی در مشروطیت ایران

عزیز کامیاب

مع الشیخ

در بیعت اولی و دوم طبع

1

وزارت معنی و لغت

چغتہ ہاکم

به همسر
حامد زارع
میل به یاس کو شیدگی افش
طین
ری

جریده نگاران

کارکردهای ادبیات مطبوعاتی در مشروطه ایرانی

مریم کامیاب

تاریخ / تاریخ ادبیات



نشر فلات



مدیر هنری و طراح جلد: شادی تاکی
ویراستار و صفحه آرای متن: بنفشه دادفر

شمارگان: ۵۰۰

قیمت: ۲۷۰۰۰

چاپ اول: ۱۳۹۷

حقوق چاپ و نشر محفوظ است

نشر فلات: تهران، خیابان فرجام، ابتدای گلشنی شمالی

شماره ۳۵، طبقه دوم، واحد ۴

تلفن: ۷۷۷۲۴۳۳۳

www.nashrefalat.com

www.instagram.com/falatpub

سرشناسه: کامیاب، مریم، ۱۳۶۳ -
عنوان و پدیدآور: جریده نگاران: (کارکردهای ادبیات مطبوعاتی در مشروطه ایرانی) /
نویسنده: مریم کامیاب؛ ویراستار و صفحه آرا سیده بنفشه دادفر.

مشخصات نشر: تهران: فلات، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۵۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۲۷۰-۰۰-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۴۵] - ۱۵۲.

عنوان دیگر: (کارکردهای ادبیات مطبوعاتی در مشروطه ایرانی).

موضوع: ایران - تاریخ - انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ ق. - مطبوعات

موضوع: ایران - تاریخ - انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ ق. - ادبیات و انقلاب

موضوع: مطبوعات - ایران - تأثیر

موضوع: مطبوعات و سیاست - ایران

موضوع: ادبیات فارسی - قرن ۱۳ ق. - تاریخ و نقد

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ - ۴ - ۱۴۰۳/DSR

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۷۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۵۲۶۳۱

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۵	فصل اول: تاریخچه دوران مشروطیت
۱۷	سیاسی
۲۰	اجتماعی و اقتصادی
۲۳	تاریخی
۳۳	فصل دوم: اوضاع ادبی دوران مشروطیت
۳۹	نظم و نثر
۴۵	طنز
۴۹	فصل سوم: تاریخچه مطبوعات در زبان فارسی
۵۰	سیر تاریخی
۶۰	مطبوعات فارسی زبان خارج از ایران
۶۵	مطبوعات ادبی
۶۹	مطبوعات طنز
۷۵	فصل چهارم: آثار و چهره‌های مهم مطبوعاتی
۷۵	آثار مطبوعاتی
۷۵	ملانصرالدین
۷۹	صویر اسرافیل
۹۲	نسیم شمال

۹۷	چهره‌های ادبی مطبوعات مشروطه
۹۸	میرزا جهانگیرخان شیرازی
۹۹	ادیب الممالک فراهانی
۱۰۱	تقی رفعت
۱۰۲	میرزاده عشقی
۱۰۴	عارف قزوینی
۱۰۵	سید اشرف الدین حسینی
۱۰۹	فرخی یزدی
۱۱۰	بهار
۱۱۸	دهخدا
۱۲۳	ابوالقاسم لاهوتی
۱۲۴	جعفر خامنه‌ای
۱۲۷	فصل پنجم: شیوه‌های تأثیرگذاری ادبیات مطبوعاتی در پیشبرد مشروطیت
۱۳۰	وزن‌ها و قالب‌های گوناگون شعری
۱۳۹	زبان طنز
۱۴۲	ساده‌نویسی
۱۴۹	جمع‌بندی
۱۵۳	فهرست منابع

مقدمه

ادبیات هر عصری، بازتاب فضای ویژه آن عصر است. فاصله زمانی چهارده ساله بین ۱۲۸۵ و ۱۲۹۹ ه. ش، یعنی از زمان امضای فرمان مشروطیت به وسیله مظفرالدین شاه قاجار تا سقوط احمد شاه و کودتای رضاخان، دورانی پراز تحول و اتفاق در جامعه ایرانی بوده است. انقلاب مشروطه یکی از بزرگترین وقایع تاریخ معاصر ایران و سرآغاز دوره‌ای جدید در حیات سیاسی و اجتماعی ایرانیان بوده است. عوامل گوناگونی در شکل‌گیری و تداوم مشروطه‌خواهی، دخالت داشته‌اند. رفت‌وآمد عده‌ای از ایرانیان به اروپا و آشنایی آن‌ها با نهادهای اجتماعی و سیاسی غربی، گسترش صنعت چاپ در ایران و تأسیس روزنامه‌های متعدد، از جمله این عوامل بوده‌اند. دست اندرکاران و نویسندگان قریب به اتفاق این نشریات، علاوه بر فعالان سیاسی، از اهالی فرهنگ و ادب نیز بوده‌اند و آثار ادبی فراوانی از آن‌ها در مطبوعات آن دوره منتشر شده و به جا مانده است. امضای فرمان مشروطه که با رونق روزافزون مجلات و روزنامه‌ها همراه بود، فصل تازه‌ای را در ادبیات ایران گشود. ادبیات این دوره با زبان و قالب و محتوا و مفهومی نو، بستری جدید را برای عرضه شدن به مخاطبان خود پیدا کرد که شامل توده مردمی بودند که طبقات میانی و حتی فرودست جامعه را تشکیل می‌دادند و اغلب

سواد خواندن و نوشتن را نیز نداشتند. این بستر، نشریاتی بود که در این دوره منتشر شدند.

این پژوهش در پی یافتن پاسخ این پرسش است که آیا جنبه‌های ادبی مطبوعات مشروطه، یعنی آن بخش از مطالب که در قالب نظم یا نثر و به صورت طنز عرضه شده است، توانسته در بسط مفهوم مشروطیت در بین عوام، پیشبرد انقلاب مشروطه و نزدیک ساختن توده مردم به اهداف این انقلاب نقش تعیین کننده‌ای داشته باشد و اگر پاسخ این سؤال مثبت است، اجرای این نقش چگونه و با استفاده از چه ابزارهایی صورت گرفته است. مطبوعات دوره مشروطیت با چاپ اشعار ملی و حماسی، روحیه ملی گرای مردم را تهییج می کردند و با انتقاد از وضع موجود در قالب طنز، زمینه را برای ابراز نارضایتی مردم فراهم می آوردند، مشکلات را نمایش داده و نواقص را تذکر می دادند و آن بخش از پشت پرده سیاست و اقتصاد را که از چشم مردم عادی پوشیده بود و بر زندگی آن ها تأثیر مستقیم داشت، برملا می کردند. اعتماد مردم به روزنامه ها و مردمی بودن نویسندگان و شعرای آن ها بود که موجب می شد حرف این روزنامه ها بردل و ضمیر همگان بنشیند. بخش ادبی مطبوعات این دوره با استفاده از قالب ها و وزن های گوناگون در نظم، انتشار تصانیف و ترانه های مردمی، استفاده از زبان طنز در نظم و نثر و بیان مطالب و انتقادات در این لفافه، ساده نویسی و نزدیک کردن زبان نظم و نثر به زبان توده مردم و با عرضه مفاهیم و محتواهای جدید در آثار ادبی که تا پیش از این در ادبیات ایران سابقه نداشت، سهمی به سزا در پیشبرد انقلاب مشروطه داشته است.

بخشی از مطالب مطبوعات دوره مشروطه، اختصاص به تولیدات ادبی اعم از نظم و نثر داشته است. محتوای این آثار که در آن ها از زبان مردم کوچه و بازار و سلاح پر قدرت طنز استفاده شده است، انتقاد از اوضاع اجتماعی و

نقد حاکمان سیاسی بوده است. استفاده از دو ویژگی نام برده در آثار ادبی مطبوعات این دوره، موجب شد که در گام نخست با زبانی غیرمستقیم، مردم از اوضاع نابه‌سامان اجتماعی و سیاسی آگاه شوند و تفکر مشروطه‌خواهی در میان آن‌ها بسط یابد و در مرحله بعد، به جهت انس و علاقه ایرانیان به آثار ادبی و جایگاه آن نزد عوام، عموم مردم با نهضت مشروطه همراه شوند و زمینه حرکت‌های انقلابی آن‌ها فراهم شود. این پژوهش درصدد آن است که با مطالعه اجمالی در تاریخ دوره مشروطه، همچنین مطالعه مطبوعات این دوره و بررسی بخش‌های ادبی آن‌ها، تأثیر مطبوعات ادبی را در شکل‌گیری تحولات اجتماعی و سیاسی عصر مشروطه باز شناسد، تا سهم کوچکی در تبیین ادبیات عمومی و کارکرد آن در رخدادهای اجتماعی و سیاسی داشته باشد و زمینه‌ای را برای مطالعات دیگر، در این حوزه فراهم کند.

از آن جا که نهضت مشروطه، رخدادی بزرگ و تأثیرگذار در تاریخ معاصر ایران است، ریشه‌یابی دقیق عوامل شکل‌گیری این نهضت و دلایل بیداری جامعه می‌تواند در مطالعات تاریخی راهگشا باشد. از سوی دیگر، ادبیات معاصر پا را از مرزهای کهن فراتر نهاده و قابلیت کارکرد اجتماعی یافته است، به طوری که توانسته مسبب تغییراتی شگرف در جوامع باشد. برجسته کردن این کارکرد و مطالعه دقیق و ریزبینانه برای دریافت مستقیم و غیر مستقیم ارتباط ادبیات و تحولات اجتماعی و سیاسی، کمک می‌کند که به مقوله ادبیات و جایگاه آن با نگاهی نونگریسته شود و از صورت یک رشته تحصیلی محض خارج شود.

نویسنده در این کتاب، سه فرضیه زیر را در نظر داشته است:

نخست این‌که آثار ادبی و مطبوعات این دوره، بسیاری از ناگفته‌ها را از اوضاع نابه‌سامان سیاسی و اجتماعی با زبان طنز و کنایه مطرح کرده‌اند که شاید با این صراحت در دیگر نوشته‌ها و مقالات نمی‌توانست بیان شود.

همچنین عرضه این آثار در مطبوعات سبب شد که مردم گام به گام با شرایط اجتماعی به پیش روند.

دوم این که، این آثار به جهت استفاده از زبان مردم کوچه و بازار، توانستند رابطه بهتری با عامه مردم پیدا کنند و به جهت علاقه و انس عموم با آثار ادبی، از تأثیرگذاری فراوانی در همراه کردن مردم با نهضت مشروطه و مشارکت آن‌ها در حرکت‌های انقلابی برخوردار باشند.

فصل اول این کتاب، به بررسی تاریخچه مشروطه اختصاص دارد. در این فصل، پس از توضیحی مختصر درباره مفهوم مشروطیت و عوامل مؤثر در این رخداد، ذیل سه عنوان جداگانه اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و تاریخی آن دوره شرح داده شده است. در بخش تاریخی به صورت اجمالی اتفاقات مهمی که در فاصله زمانی نزدیک به امضای فرمان مشروطیت و در دوره مشروطه رخ داده، آورده شده است.

فصل دوم این کتاب، شامل بررسی اوضاع ادبی دوران مشروطیت است. در این فصل، پس از تبیین مفهوم و ویژگی‌های ادبیات مشروطه در دو بخش جداگانه، وضعیت نظم و نثر در این دوره و همچنین وضعیت طنز این دوره، مورد مطالعه قرار گرفته است. البته بیشتر موارد بیان شده، ناظر بر مطالب منتشر شده در مطبوعات بوده است.

در فصل سوم به سیر تاریخی مطبوعات پرداخته شده و تطور مطبوعات از انتشار اولین روزنامه‌ها در ایران آورده شده است. همچنین به صورت کمی و فهرست وار به دوره‌های مختلف مطبوعاتی عصر مشروطیت اشاره شده است. همچنین مطبوعات فارسی زبان خارج از ایران پیش از مشروطیت و این دوره، از نظر گذرانیده شده است. سپس در دو بخش جداگانه، به معرفی مطبوعات طنز و مطبوعات ادبی پرداخته شده است.

فصل چهارم این کتاب، به معرفی آثار و چهره‌های مهم مطبوعاتی اختصاص دارد. ذیل مبحث آثار مهم، سه روزنامهٔ ملانصرالدین، صوراسرافیل و نسیم شمال معرفی شده‌اند. همچنین در بخش چهره‌های مهم، از یازده نفر از کسانی یاد شده که یا خود بانیان و مدیران نشریات ادبی بوده‌اند یا آثارشان را در این نشریات عرضه کرده‌اند و یا در هر دو بخش فعالیت داشتند. انتخاب این روزنامه‌ها و افراد با توجه به مطالعاتی بوده که در مسیر این پژوهش صورت گرفته است.

فصل پایانی با عنوان شیوه‌های تأثیرگذاری مطبوعات در پیشبرد اهداف مشروطیت، ناظر بر شیوه‌ها و ابزارهایی است که ادبیات در بستر مطبوعات از آن سود جست، تا به بسط مفهوم مشروطیت میان مردم پردازد و تودهٔ مردم را با انقلاب همراه کند. این شیوه‌ها که از آن‌ها برای انتقال مفاهیم جدید استفاده شده، عبارت است از کاربرد وزن‌ها و قالب‌های گوناگون، به خصوص تصنیف در آثار منظوم، استفاده از زبان طنز و بهره‌گیری از شیوهٔ ساده‌نویسی که شامل کاربرد کلمات، ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات عامیانه بوده است. همهٔ این شیوه‌ها در بخش‌هایی جداگانه در این فصل مورد مطالعه قرار گرفته است. در پایان نیز نتایجی که از این پژوهش حاصل شده، به اختصار آورده شده است.

لازم به ذکر است که در این کتاب، در پیشوند نام بسیاری از مطبوعات کلمهٔ «روزنامه» درج شده است؛ این بدان معنا نیست که جریدهٔ مذکور حتماً به صورت روزانه منتشر می‌شده است، بلکه به این دلیل که در اکثر قریب به اتفاق منابعی که نویسنده از آن‌ها استفاده کرده، عموماً برای همهٔ نشریات از واژهٔ روزنامه استفاده شده است، بنابراین کتاب حاضر نیز از این روند تبعیت کرده است.

فصل اول

تاریخچه دوران مشروطیت

کلمه مشروطیت از نظر لغوی، به معنای آن چیزی است که مقید به شرط است و از نظر سیاسی به حکومتی گفته می شود که در آن، اختیارات قدرت حاکم محدود است و یا به تعبیری دیگر بازدارنده انباشت قدرت به منظور حفظ حقوق اساسی افراد و گروه ها است. در لغت نامه دهخدا ذیل عنوان مشروطه، در بخش حکومت مشروطه نوشته شده: «حکومت مشروطه نوعی حکومت است که در آن وضع قوانین به عهده مجلس یا مجلسین (شوری - سنا) باشد و دولت مجری آن قوانین محسوب می گردد، مقابل استبداد.» و مشروطه خواه را کسی دانسته که خواهان حکومت قانون و مخالف حکومت فردی و استبدادی باشد.

یکی از بزرگ ترین وقایعی که در تاریخ ایران روی داده، بی شک انقلاب مشروطه است که بر همه شئون سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مردم تأثیرگذار بود و دگرگونی عمیقی را در وضع مردم ایران به وجود آورد و در حقیقت، انقلابی بود که پایه های حکومت استبدادی را نشانه گرفت. عوامل اصلی پیدایش این تحول عظیم تاریخی و جریان آن به اختصار چنین است:

۱. افزایش ارتباط مردم ایران با کشورهای خارجی مخصوصاً کشورهایی که حکومت آنها، ناشی از اراده مردم بوده و براساس قانون اداره می شدند.
 ۲. تأسیس دارالفنون توسط امیرکبیر و توسعه مدارس جدید و اشاعه یافتن افکار نو در میان مردم ایران با ایجاد پست و تلگراف.
 ۳. مسافرت های پی در پی ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه به اروپا در شرایط نابه سامان اقتصادی
 ۴. انتشار مطبوعات دولتی و غیردولتی که اخبار ایران و جهان را در میان مردم منتشر می کردند.
 ۵. وقوع تحولاتی در کشور ترکیه و ژاپن و گسترش اطلاعات مردم درباره انقلاب فرانسه، امریکا و دیگر کشورهای جهان.
 ۶. توسعه صنعت چاپ و انتشار آثاری از آخوندزاده، طالبوف، حاج زین العابدین مراغه ای، میرزا آقاخان کرمانی و احمد روحی.
 ۷. بیدار شدن اذهان مردم نسبت به اعمال ناشایست دولت به وسیله وعاظ و علمای مذهبی.
 ۸. تأثیر تعلیمات و اظهارنظرهای آزادی خواهان در مردم.
 ۹. ضعف و زبونی رجال دولت در مقابل نفوذ بیگانگان، مخصوصاً روس و انگلیس.
 ۱۰. دریافت وام با بهره های هنگفت از کشورهای خارجی.
 ۱۱. اعطای امتیازات اقتصادی گوناگون به کشورهای بیگانه.
 ۱۲. بی توجهی نسبت به خواست عمومی و آزار مخالفان حکومت به دست عین الدوله صدر اعظم دوره مظفرالدین شاه.
- این ها از مهم ترین عواملی است که آگاهی ملت ایران را افزایش داده و به عنوان مقدمات بروز جنبش از آن ها یاد می شود. مجموعه این عوامل، وضعیتی را فراهم آورد تا نظام مشروطیت در ایران پا بگیرد. نظامی که هدف

آن محدود و مقید کردن قدرت استبدادی پادشاه، تشکیل مجلس ملی و شکل‌گیری قانون و فراهم آوردن زمینه نقش‌آفرینی مردم در سرنوشت خود، ایجاد آزادی، عدالت و ترقی برای مردم و استقلال وطن بود.

«ورود ایران به عصر جدید یا مدرنیته با حرکت و جنبشی آغاز شد که بعدها نام مشروطه به خود گرفت. این حرکت که نطفه آن در دارالسلطنه ولیعهد عباس میرزا در تبریز بسته شد، در بستری از نارضایتی عمومی؛ آشفتگی اقتصادی، ناکارآمدی سیاسی و خفتگی فرهنگی شکل گرفت که همراه با شکست‌های نظامی و خفت‌های خارجی بود.» (رهبری، ۱۳۷۸: ۱۲)

سیاسی

میان ایران در آستانه ورود به دنیای مدرن با ایران ۲۰۰۰ سال قبل، هیچ تفاوتی از لحاظ ماهوی وجود نداشت، تنها اگر تغییری مشاهده می‌شد، می‌توان آن را شکلی و غیرساختاری دانست، درحالی‌که ساختارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایران طی سال‌های متوالی در دوران قدیم با تکانه‌های جدی همچون تغییر مذهب و سلسله‌های حکومتی مواجه گردید، اما همچنان به‌گونه‌ای متصلب و اقتدارگرا که از ویژگی‌های دوران قدیم محسوب می‌شود، ماهیت خویش را حفظ نمود. (همان: ۱۹)

پیش از آغاز مشروطیت، شاه همان جایگاهی را داشت که سال‌ها پادشاهان در تاریخ این سرزمین دارا بودند، یعنی قدرت مطلقه در دست شاه بود.

شاه به عنوان سایه خدا بر روی زمین تلقی می‌شد و حفظ تاج و تخت از اهم وظایف دینی محسوب می‌شد... با چنین وضعی، کسی را یارای انتقاد و مخالفت نبود. (همان: ۳۱)

اگرچه ورود مردم به صحنه سیاسی در ابتدا صرفاً جنبه اعتراضی داشت، اما در ادامه مبارزات، خواست‌های اساسی‌تری چون آزادی، حاکمیت قانون،

مهار قدرت مطلقه شاه و مشارکت عمومی جلوه‌گری کرد که تنها می‌توانست در آغوش مشروطیت متولد شود.

«در جامعه استبدادزده ایران در عصر قاجاریه، اندیشه آزادی و آزادی‌خواهی یکی از مهم‌ترین اهداف و مطالبات مخالفان حکومت استبدادی مطلقه قاجار بود. آزادی‌خواهی ویژگی و هدف مشترکی بود که با درجات متفاوتی، همه گروه‌های مختلف اجتماعی مخالف استبداد مطلقه قاجاریه را در بر گرفته بود. اما باید این واقعیت را در نظر گرفت که مواضع گروه‌های مختلف مشهور به آزادی‌خواه درباره ماهیت و مفهوم آزادی و گستردگی و عمق آن، از تفاوت‌ها و گاه تضادهایی نیز برخوردار بود.» (آجدانی، ۱۳۸۵: ۶۹)

در دوران سلطنت پنجاه ساله ناصرالدین شاه و از همان آغاز کار وی حتی پیش از آن، عوامل و اسبابی پدید آمد که موجب پیدایش اندیشه‌های آزادی‌خواهی شد. در ذکر شماری از این عوامل، می‌توان به اقدامات عباس میرزا نایب السلطنه، ترویج صنایع و فنون جدید به همت میرزا ابوالقاسم قائم مقام، اصلاحات دل‌سوزانه و عالمانه امیرکبیر و تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۶۸ ه. ق، اعزام محصلان ایرانی به خارج از کشور جهت فراگیری علوم و فنون جدید، تأسیس چاپخانه و گسترش صنعت چاپ، انتشار روزنامه و آشنایی با افکار اروپاییان و مسائلی از این نوع اشاره کرد. فرمان مشروطیت که در چهاردهم جمادی الآخر سال ۱۳۲۴ ه. ق، به امضای مظفرالدین شاه رسید، در حقیقت دستاورد نهضتی بود که قبل از آن بر اثر بیداری ایرانیان به موجب عوامل گوناگون اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایجاد شده بود. نخست این پیش‌آمد موجب شد که بانگ نارضایتی مردم از گوشه و کنار در تهران و شهرهای بزرگ بلند شود.

«با شکل‌گیری نهضت مشروطیت در ایران و افزایش هیجانات و تکان‌های ضد استبدادی علیه حکومت قاجاریه و گسترش شکل‌گیری فعالیت‌های انجمن‌ها، احزاب و تشکل‌های سیاسی مخفی، نیمه‌مخفی و علنی و نیز افزایش روزنامه‌ها و نشریات تجددطلب ایرانی، روند آزادی‌خواهی در جامعه ایران وارد مرحله جدیدی شد. اندیشه و آرمان آزادی و آزادی‌خواهی تبدیل به یکی از مهم‌ترین اصول و اهداف نهضت مشروطیت ایران و از اصلی‌ترین مفاهیمی شد که افزایش چالش‌های میان سنت‌گرایان و تجددطلبان و گسترش منازعات گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی جامعه ایران در عصر مشروطیت را به دنبال داشت.»

(همان: ۷۷ و ۷۸)

جنبش مشروطه‌طلبی می‌خواست قدرت را محدود کند تا بدین وسیله سلطنت در چارچوب قانون باشد و از قدرت مطلقه سلطنت که موجب ظلم و فساد در جامعه می‌شود، جلوگیری کند. این جنبش می‌خواست مردم نمایندگان خود را انتخاب کنند تا آن‌ها کارگزاران اجرایی را منصوب و بر فعالیت‌های آنان نیز نظارت کنند. تفکیک قوا به رسمیت شناخته شود و قوه قضائیه بر این اساس، به صورت نهادی مستقل عمل کند.

«در این شیوه از تفکر، روشنفکران عصر قاجاریه و مشروطیت، دولتی را به رسمیت می‌شناختند که بر مبنای قانون شکل گیرد و عمل کند و نهادهای اجتماعی و سیاسی آن برخاسته از اراده عمومی و حاکمیت ملی در مفهوم جدید آن باشد. مبنای مشروعیت حکومت‌ها دگرگون شد. دیگر حقانیت و مشروعیت حکومت وابسته به موروثی بودن یا حق حاکمیت الهی نبود، بلکه

ریشه در نوعی قرارداد اجتماعی داشت. نارضایتی از حکومت سلطنت استبدادی مطلقه و کارکردهای آن در جامعه ایران عصر قاجاریه را می توان با درجات متفاوتی در افکار و آثار همه نوگرایان دارای تمایلات روشنفکرانه عصر قاجاریه و مشروطیت به روشنی بازجست.» (همان: ۴۰)

با برپایی مشروطه در جامعه ایران، تحولات شگرفی در ساختار سیاسی و اجتماعی کشور به وجود آمد. ایجاد بنیادهای جدید و روابط جدید فرهنگی، فصل نویی را در زندگی ایرانیان گشود و آن ها را با مفاهیمی تازه روبه رو کرد.

«برپایی نظام مشروطه، پایه های حکومت استبدادی را لرزاند و زمینه را برای پیدایش مؤسسه های نوین سیاسی آماده ساخت. مجلس شورای ملی گشوده شد؛ انجمن های ایالتی و ولایتی به کار پرداختند؛ انجمن های سیاسی ابتدا در شهرها و سپس روستاها پدید آمدند و روزنامه ها زندگی تازه ای را آغاز کردند.» (یزدانی، ۱۳۸۶: ۵۱)

اجتماعی و اقتصادی

در این زمان، آگاهی سیاسی در جامعه ایران به دلیل تلاش های فکری روحانیان و روشنفکران، افزایش ارتباطات فرهنگی با جهان خارج و انتشار روزنامه ها که روزبه روز بر تعدادشان افزوده می شد، همچنین انتشار غیر رسمی، اما گسترده آثار سیاسی-انتقادی، رشد چشمگیری یافته بود و مردم با مفاهیم مجلس، مشروطیت و آزادی آشنا شده بودند، همچنین مراجع نجف از جمله میرزای نائینی با استناد به متون مذهبی به مخالفت با نفوذ بیگانه، استبداد و ظلم و ستم قاجاری برخاستند و توده مردم را علیه دولت برانگیختند. مهاجرت ایرانیان به کشورهای همسایه برای کار نیز در بالابردن آگاهی سیاسی مردم مؤثر بود.

نهضت مشروطه، حادثه اجتماعی مهمی بود که موجب حرکتی ژرف در افکار ایرانیان شد. این واقعه از دو جنبه تأثیر خویش را آشکار کرد: نخست آن که خواندن و نوشتن که تا آن زمان تنها متعلق به طبقه اعیان و اشراف بود، بر اثر مشروطه خواهی، عمومی شد و ایجاد مدارس که قبل از مشروطه آغاز شده بود، گسترش یافت و چاپ روزنامه های گوناگون و انتشار مقالات سیاسی و اجتماعی، ذهن مردم را با این امور آشنا کرد و همین آشنایی، سبب به وجود آمدن نیازهای ادبی جدیدی گردید. همچنین تمام کسانی که روزنامه می خواندند - مانند مستوفیان، ادبا و دبیران قدیم - در فنون ادب مهارت نداشتند و به همین دلیل، خواهان ادبیاتی بودند که فهمش برای آنان میسر بوده و مضامین و معانی آن با زندگی شان تناسب داشته باشد. پیشاهنگان آشنایی با فرهنگ و تمدن و دانش ممالک مغرب زمین در کشورهای اسلامی اغلب تحصیل کردگان و روشنفکران دینی یا غیردینی و یا برخی حاکمان با تدبیر بوده اند؛ کسانی که مردم از دریچه همت و تلاش آنان با مظاهر تمدن و علوم غرب آشنا شدند. چنین بود که به تدریج جامعه دچار دگرگونی می شد. گویا جامعه آن دوران به آرامی پوسته خود را می شکافت و سربرون می آورد و ناظر چیزهایی بود که تاکنون ندیده بود.

«از گوشه و کنار تحت تأثیر تحولات اقتصادی و نفوذ افکار مرفعی سروصداهایی زودگذر، ناآگاهانه، مبهم و مغشوش به گوش می رسید... با وجود تکفیر حجت الاسلام ها و فشار دستگاه دولتی تعداد مدارس و روزنامه های شخصی در سراسر ایران رو به افزونی می نهاد، مردم با ولعی تمام به افکار نو و مرفعی رو می آوردند، نشریات را دست به دست می گرداندند و در توسعه و رونق مدارس شوری بی سابقه نشان می دادند، درباره مسائل روزمره زندگی بحث و اظهار نظر می کردند و طرفی انتخاب